

چشم‌انداز بحران سیاسی و اقتصادی در لبنان



طرح مسئله

اکتبر سال ۲۰۱۹ صحنه سیاسی و اجتماعی لبنان شاهد تحولات و اعتراضاتی بود که تا پیش از آن سابقه نداشت. به‌طور سنتی تحولات سیاسی و اجتماعی لبنان تحت تأثیر عمیق دسته‌بندی‌های طائفی (در درجه اول) و حزبی (در درجه دوم)، قرار داشته است. اما وقایع اکتبر ۲۰۱۹ شاخص‌ها و ویژگی‌های کاملاً متفاوتی داشت؛ اعتراضات مردم به نابسامانی اقتصادی و معیشتی از طوائف مختلف بدون وابستگی حزبی و طائفی شکل گرفت. البته این نکته برای تحلیلگران مسائل لبنان واضح است که ریشه بحران اقتصادی و معیشتی در این دوره حساس به طراحی گسترده آمریکا و اروپا با هدف ایجاد تنگنا برای مقاومت در لبنان و وادار کردن حزب‌ا... به خروج از سوریه با ابزار فشارهای اقتصادی و اجتماعی مربوط است، در این میان کمبود سوخت و در نتیجه افزایش قیمت آن موجب ناآرامی و اضطراب عمومی شده است.

آمریکا چند سالی است که حزب‌ا... را به بهانه حمایت از سوریه در برابر تروریسم تکفیری، مورد شدیدترین تحریم‌ها قرار داده و به تبع آن نهادهای مالی و اقتصادی لبنان را نیز به استناد همکاری یا ارتباط با حزب‌ا... تحریم کرده است. کشورهای اروپایی نیز هر کدام به تفکیک گام‌هایی را علیه حزب‌ا... (شاخه نظامی یا هر دو شاخه سیاسی و نظامی آن) برداشته‌اند. سرریز این فشارها و تحریم‌ها، ضعف شدید دولت‌ها در لبنان و فساد گسترده در بوروکراسی اداری و اقتصادی این کشور را بیش از پیش نمایان ساخته و لبنان را به بی‌سابقه‌ترین بحران اقتصادی کشانده است.

اکتبر ۲۰۱۹ مردمی به میدان و خیابان‌های لبنان آمدند که بدون توجه به وابستگی طائفی و حزبی، خواهان بهبود وضع اقتصاد کشور و توقف گام‌های دولت برای افزایش دامنه و عمق مالیات‌ها بودند. این وضعیت، به استعفای نخست‌وزیر مستقر از طائفه اهل سنت یعنی سعد الحریری منجر شد؛ حریری به‌جای پاسخگویی به اعتراضات و تلاش برای رفع مشکلات مردم، شانه از مسئولیت خالی کرد و بلافاصله بعد از استعفا، از موضع بدهکار به موضع طلبکار نقل مکان نمود و تلاش کرد، اولاً طائفه خود و جریان المستقبل را در بحران معیشتی، بی‌تقصیر جلوه دهد، ثانیاً عامل فساد اداری و اقتصادی در تولید بحران را نادیده انگارد و ثالثاً مسئولیت بحران را متوجه موضع شیعیان به‌ویژه حزب‌ا... درخصوص سوریه معرفی نماید. این درحالی است که همه جریان‌های سیاسی و رسمی لبنان اذعان دارند که موضوع فساد اقتصادی و اداری فراطائفی است و بسیاری از احزاب در آن نقش دارند.

معاونت مطالعات

سیاسی

مشخصات گزارش

شماره مسلسل:

۲۶۰۱۷۶۰۴

تاریخ انتشار:

۱۴۰۰/۴/۲۷



حزب... و هم‌پیمانانش در جریان ۸ مارس عزم خود را جزم کردند تا با یک دولت میانه‌رو به نخست‌وزیری حسان الدیاب، بر مشکلات فائق آیند. هنوز چند ماهی از تلاش‌های دولت مورد حمایت مقاومت آغاز نشده بود که واقعه انفجار بندر بیروت، رسماً دولت و کشور لبنان را به یک ورشکسته کامل تبدیل کرد. لذا حسان الدیاب نیز نتوانست ادامه دهد و استعفا کرد. سرانجام پس از کشمکش‌های فراوان بین جریان اهل سنت و جریان مسیحی آزاد ملی، میشل عون، رئیس‌جمهور لبنان با توجه به تمایل شیعیان، متقاعد شد تا دوباره سعد حریری را مأمور تشکیل کابینه کند. علی‌رغم گذشت چندین ماه از معرفی حریری به عنوان نخست‌وزیر مکلف، وی هنوز در تشکیل کابینه تعلل می‌ورزد.

ارزیابی و تحلیل

۱. اختلاف جریان‌های سیاسی و طائفی در زمینه تشکیل کابینه لبنان، در تعارض منافع سعد حریری به‌عنوان رهبر جریان ۱۴ مارس از یک طرف و میشل عون و جبران باسیل به‌عنوان مسیحیان هم‌پیمان مقاومت متبلور شده است. میشل عون و جریان سیاسی مطبوعه‌ش خواهان برخورداری از ثلث معطل در کابینه (به‌عنوان تضمینی برای تصمیمات استراتژیک در کابینه) هستند؛ درحالی‌که حریری معتقد است، این حق نخست‌وزیر است که از میان جریان‌های سیاسی مختلف گزینه‌های وزرا را انتخاب کند و رعایت تناسب میان طوائف مختلف کفایت می‌کند و لازم نیست وزرای مسیحی از جانب رئیس‌جمهور انتخاب شده و مورد تأیید وی قرار گیرند؛ غیر از اینکه سعد حریری برخورداری رئیس‌جمهور از ثلث معطل در کابینه را یک بدعت می‌داند و حاضر نیست زیر بار چنین گزینه‌ای برود.

۲. ریشه ناتوانی و ناکامی سعد حریری برای تشکیل دولت، عمیق‌تر از اختلاف بین او و میشل عون است؛ اگر چه این اختلاف اصالت دارد ولی، چالش مهم‌تر حریری برای تشکیل کابینه به مخالفت جدی آمریکا و عربستان با حضور حزب... یا گزینه‌های متمایل به آن در دولت مربوط می‌شود. حریری اذعان نمی‌کند که به‌دلیل دخالت‌های آمریکا و مخالفت عربستان قادر به معرفی دولت نیست، ولی این مسئله در رفتارهای وی کاملاً متبلور است.

۳. همه جریان‌های طائفی و سیاسی در لبنان به‌خوبی می‌دانند که بدون حضور حزب... به‌عنوان یکی از ارکان اصلی طائفی و جمعیتی کشور، امکان تشکیل کابینه وجود ندارد و حزب... علاوه بر رکن اصلی بازدارندگی در مقابل تجاوز رژیم صهیونیستی به لبنان، نماینده طیف وسیعی از شیعیان در پارلمان و دولت است و نادیده انگاشتن حزب... عملاً منتفی است. اگر چه جریانی مانند حزب قوات لبنان به رهبری سمیر جعجع (که اقلیتی از مسیحیان لبنان را نمایندگی می‌کند)، با دستور کار خارجی و با سفارش مستقیم عربستان، خواهان تشکیل دولت بدون حضور حزب... است؛ اما سایر جریان‌ها، حتی مخالفان حزب... نیز چنین مطالبه‌ای را عملی و ممکن قلمداد نمی‌کنند.

۴. رژیم صهیونیستی به‌شدت تلاش و پیگیری می‌کند تا مانع از کاهش فشارهای اقتصادی غربی - عربی علیه لبنان شود؛ صهیونیست‌ها معتقدند که افزایش فشارهای اقتصادی، امکان تشکیل دولت پایدار در لبنان را منتفی می‌کند و مردم این کشور را در مقابل حزب... و جریان‌های حامی مقاومت قرار خواهد داد و در نتیجه، استمرار این وضع منجر به شکست گزینه مقاومت در لبنان خواهد شد. چنین تصویری با توجه به برخورداری حزب... از طیف وسیعی از حامیان در میان جمعیت بالای شیعه، به دور از واقعیت است؛ ضمن اینکه

احزاب مسیحی هم‌پیمان حزب... نیز نه حاضرند از هم‌پیمانی با مقاومت کناره‌گیری کنند و نه حذف گزینه مقاومت از صحنه لبنان را عملی و ممکن می‌دانند.

۵. ترجیح حزب... و حزب امل این است که نماینده اصلی جریان سنی مذهب، یعنی سعد حریری مسئولیت دولت را در اختیار بگیرد و از نظر مقاومت، سایر گزینه‌های اهل سنت، نه تنها از قدرت لازم برای اداره دولت برخوردار نیستند و نمی‌توانند همه ظرفیت اهل سنت را پای کار بیاورند، بلکه عدم حضور حریری در دولت به‌عنوان نخست‌وزیر، پاسخگویی جریان غرب‌گرا و هم‌پیمان محور سازش عربی در برابر مشکلات و معضلاتی که خود بانی اصلی آن بوده‌اند را منتفی می‌کند و جریان‌هایی مانند المستقبل، حزب قوات، حزب کتائب و حزب سوسیالیست ترقی‌خواه را از موضع بدهکار به موضع طلبکار خواهد کشاند؛ وضعیتی که منجر به سقوط دولت حسان الدیاب شد.

۶. شکاف در میان تصمیم‌سازان آمریکایی در خصوص ادامه روند فشارها علیه لبنان، در حال بروز و گسترش است. بر خلاف دورتی شیا سفیر ایالات متحده در بیروت، برخی از شخصیت‌های تأثیرگذار در این حوزه مانند جفری فلتمن (سفیر سابق آمریکا در لبنان) معتقدند، ادامه فشارهای بی‌امان و سخت، در وهله اول، سرمایه اجتماعی هم‌پیمان غرب در لبنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، گذشته از اینکه احتمال شکل‌گیری هسته سخت اجتماعی به طرفداری از حزب... و حامیان مقاومت در شرایط سخت اقتصادی و امنیتی، متصور است، که در این صورت، کنترل اوضاع از دست خارج خواهد شد.

۷. فرصت نگاه اقتصادی لبنان به شرق (جمهوری اسلامی ایران، چین و روسیه)، یک گزینه محتمل در آینده سیاسی این کشور است که در صورت تحقق، صحنه سیاسی این کشور و چارچوب موازنه سیاسی و حزبی را به‌شدت به نفع مقاومت تحت تأثیر قرار خواهد داد. آمادگی ایران برای صادرات بنزین به لبنان و حل مشکل سوخت در این کشور، چراغ سبز چین برای سرمایه‌گذاری در این کشور (که رونق اقتصادی را به این کشور کوچک برخواهد گرداند) و تمایل روسیه به توسعه همکاری اقتصادی و کمک به نیازمندی‌های ارتش لبنان در تقابل‌های امنیتی در مرزها (به‌ویژه کنترل تردد تروریست‌ها از شمال و شرق)، چشم‌انداز تحولات لبنان را خلاف آنچه محور غربی - عربی - صهیونیستی تصور می‌کنند، رقم خواهد زد. لذا گزینه‌های ایجابی و راه‌حل‌های ملی و مقاومتی در لبنان، بسیار بیشتر و امیدآفرین‌تر از گزینه‌های سلبی و تخریبی جریان‌های وابسته به غرب و اعراب مرتجع منطقه است.

۸. برررسی سناریوهای مزبور نشان می‌دهد، بهترین گزینه برای اهل سنت لبنان و مسیحیان در این کشور، تفاهم برای تشکیل دولت با محوریت حل سریع مشکلات و معضلات فوری لبنان است و خسارت تعویق در تشکیل کابینه، بیش از آنکه متوجه شیعیان باشد، متوجه اهل سنت و مسیحیان است. کناره‌گیری سعد حریری و شانه خالی کردن وی از مسئولیت تشکیل کابینه، باعث انسداد سیاسی در این کشور خواهد شد و با عنایت به اینکه، دوره ریاست‌جمهوری فعلی نیز کم‌کم در حال تمام شدن است، ضرر اصلی این انسداد، متوجه مسیحیان و اهل سنت است؛ زیرا شیعیان، سهم سیاسی خود را براساس پیمان طائف در اختیار دارند.